



بخش
سیاسی
اقتصادی

مسئول: ع. مدرس

تحلیل قراردادهای استعماری

قراردادهای ایران و روسیه ترکمانچای

در پی بررسی قراردادهای استعماری امپراتوری انگلیس با ایران و فعالیتهایی که در جهت گسترش نفوذ خود در کشور ما داشتند، پس از قرارداد ۱۹۱۹ اینک به گذری بر قراردادهای روسیه با ایران می‌پردازیم که به‌عنوان همسایه شمالی ما در صحنه رقابتهای بین‌المللی، میهن ما را نیز عرضه جولان سیاست خویش ساخت. در آغاز فهرست‌وار روابط فیما بین دو کشور را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

قاجاریه مدت صد و سی و پنج سال بر ایران حکمرانی نمودند. این دوران مقارن توسعه سیاستهای استعماری دول قدرتمند در جهان و در قاره آسیا بود. امپراتوریهای بزرگ دامنه نفوذ خود را در همه نقاط آسیا گسترش دادند. انگلستان و روسیه دو امپراتوری بودند که ایران را میدان رقابت خود قرار داده و از جنوب و شمال پیش روی می‌نمودند تا بر همه این سرزمین دست‌اندازی کنند.

روسیه در پی توسعه مرزهای خود در آسیا، دستیابی به اقیانوس آرام و سیبری، تسلط بر هند و افغانستان و چین از راه ترکمنستان و اشغال سرزمینهای ایران از طریق گرجستان و داغستان و سپس اقیانوس هند و هندوستان با گذر از ایران بود. اهداف استعماری روسیه در ایران در زمان زمامداری قاجار به اوج خود رسید. پس از کشته شدن آغامحمدخان مؤسس سلسله قاجار به دست اطرافیان، ولیعهد او فتحعلی‌شاه حدود سی‌سال از سلطنت ۲۸ ساله خود را در جنگ با روسیه به سر برد و در خلال شکستهای نظامی و قراردادهای سیاسی و اقتصادی بخش وسیعی از زمینهای شمال ایران را به روسیه تسلیم نمود و دست آن کشور را در مداخلات سیاسی در امور حکومت و بهره‌برداری اقتصادی در ایران باز کرد. تزار و دولت روسیه به دنبال راهیابی به اقیانوس هند و سرزمین هندوستان و توسعه نفوذ خود در آسیا بود. ایران به لحاظ اهمیت جغرافیایی آن، چون افغانستان، مورد هجوم استعمار دول اروپایی بود. منابع اقتصادی هدف مطامع اینان بود. و در سالهای اول قرن نوزده، انگلستان، روسیه، فرانسه و سپس آلمان و عثمانی در صدد تسلط بیشتر در کشور ایران به شکلهای گوناگون بودند. انگلستان در جنوب حضور نظامی خود را گسترش می‌داد و با ایجاد روابط محکم با دولت ایران بر تمام شئون مملکت تسلط داشت. قراردادهای پی در پی بر غارت هستی کشور توسط بیگانگان مهر تأیید زده و وجود آنان را در اینجا جنبه

قانونی می‌بخشید. روسیه در شمال ایران همواره با اقدامات علیه همسایه جنوبی خود در طلب منافع مختلف، تاریخی از دشمنی‌های آشکار و پنهان با این کشور پدید آورده است.

با پایان عمر سلسله صفویه و آشوب در آن دوران، تزار روسیه پطر کبیر، شاه طهماسب را وادار نمود که در سال ۱۷۲۳ میلادی مناطق مرزی شمال را شامل شهرها و ولایات داغستان - شیروان - مازندران - گیلان - امترآباد - باکو و رشت، به روسیه تسلیم نماید. پس از مرگ پطر کبیر به سال ۱۷۲۵، امپراطریس آنا ایوانوونا خواهرزاده او، ایالت‌های ساحل خزر را در سال ۱۷۳۲ به حدود ایران، در پیمانی با نادرشاه باز گرداند. از آن پس سیاست الحاق خاک ایران به روسیه ادامه یافت و کاترین دوم اهداف پطر کبیر را در پیش گرفت. آغا-محمدخان در سال ۱۷۹۵ م به گرجستان لشکر کشید و تفلیس را تصرف نمود. به دنبال این حمله روسیه آماده جنگ شد. قفقاز، باکو، دربند، گرجستان، داغستان و شیروان توسط نیروی روس تصرف شد.

چندی بعد، پس از مرگ کاترین دوم، روس‌ها دست از جنگ کشیده و گرجستان بار دیگر به داخل مرزهای ایران باز گشت. اما در سال ۱۸۰۰ توسط روسیه تصرف شد. با آغاز قرن نوزدهم جنگهای ممتد ایران و روسیه شروع شد. این جنگ‌ها حدود سی سال ادامه داشت و با شکست ایران در برابر تجاوز امپراتوری روس همراه بود.

در دوران سلطنت فتحعلیشاه، ایران همواره در کشمکش و جنگ با روسیه بود. اولین دوره جنگ با انعقاد عهدنامه گلستان در اکتبر ۱۸۱۳ میلادی برابر با ۱۲۲۸ هـ. ق پایان گرفت.

دوره دوم جنگ‌های ایران و روس، در سال ۱۸۲۸ میلادی برابر با ۱۲۴۳ ق، با انعقاد معاهده ترکمنچای خاتمه یافت.

در سال ۱۲۱۸ ق قشون روس گرجستان را اشغال و قصد ایروان نمود. فتحعلی‌شاه به آذربایجان رفت و پسر خود عباس‌میرزا را در رأس قوای ایران مأمور جنگ با متجاوزان نمود.

در مراحل اولیه جنگ، سپاه ایران پیروزی‌هایی به دست آورده بود. اما قوای روسیه در هر قدم موضع برتری نسبت به ایرانیان به دست می‌آورد. در سپتامبر ۱۸۰۹ تزار روسیه که مایل به توقف جنگ در قفقاز بود، هیئتی به ریاست ژنرال ترموسف به نخجوان، اردوگاه ایرانیان فرستاد. این گروه با موافقت عباس‌میرزا و سایر مقامات ایرانی در مورد توقف درگیری‌ها وارد مذاکره با میرزا بزرگ

قائم‌مقام شد. در این مذاکرات که اول مه ۱۸۱۰ برابر با ۱۲۲۵ ه. ق آغاز شد، قائم‌مقام خواهان تخلیه ایالات قفقاز از سپاه روس شد. او شرکت نمایندگان دولت عثمانی را در مذاکرات ضروری دانست و این به سبب اختلافات موجود بین روسها و عثمانی و اتخاذ سیاست اتحاد دو کشور ایران و عثمانی در مقابل روسها بود. دولت روسیه استرداد قفقاز به ایران را قبول نکرد و در نتیجه مذاکرات بی نتیجه ماند. دولت انگلستان که نظرات خود را از نزدیک درباره ایران پیش می‌برد و آنچه بین ایران و روسیه می‌گذشت، به سبب امکان نفوذ روسیه در ایران و سپس در منطقه، تمامی منافع موجود وی را تهدید می‌نمود، با حساسیت نسبت به اهمیت امر دنبال نموده بود. لذا، دولت انگلیس به دربار ایران پیشنهاد کرد، با عثمانی متحد شده و جنگی علیه روسیه ترتیب دهند. فتحعلی‌شاه این سیاست را پسندیده با عثمانی‌ها وارد مذاکره شد. میرزا رضاخان منشی‌الممالک نوایی، برای طرح پیشنهاد، به دربار عثمانی رفت. سلطان محمود دوم پادشاه عثمانی با طرح ایران موافقت نمود و در تاریخ دهم اوت ۱۸۱۰ قراردادی در این باره مبنی بر اتحاد نظامی بین دو کشور در استانبول امضا شد.

در آوریل ۱۸۱۱ برابر با ۱۲۲۶ ه. ق هیئتی از جانب دولت عثمانی به ریاست عبدالوهاب افندی به تهران آمد. مقامات ترک و ایرانی در این دیدار نقشه‌ای برای حمله مشترک به روسها طرح کردند و قرار شد در ماه ژوئیه ۱۸۱۱ از دوسو در گرجستان به قوای روس حمله شود. در این سال عثمانی‌ها شکست سختی در منطقه دانوب از نیروی روسیه متحمل شده بودند. حمله مقرر ایران و عثمانی به روسیه انجام نشد. در ۲۸ مه ۱۸۱۲ دولت روسیه که از حمله ناپلئون به کشورش بیم داشت با عثمانی‌ها پیمان صلح بست. خروج قوای عثمانی از میدان جنگ، در قفقاز موقعیت ایران را تضعیف کرد. روسها که از جانب عثمانی آسوده شدند به قوای ایران در قفقاز حمله بردند. در این حملات، قفقاز و مناطق شمالی آن مورد هجوم سختی قرار گرفت؛ مردم قتل‌عام شدند و سربازان روسی همه‌جا را به آتش کشیدند. مردم قفقاز به پشتیبانی پرنس آلکساندر گرجی به مبارزه علیه نیروی روس برخاستند. روسها که پیش از آن نیز چنین مقاومتی را از جانب مردم لنکران دیده بودند، کشتار را شدت دادند.

در این زمان ناپلئون خطر جدی برای روسها و هم انگلستان ایجاد نموده بود. ناپلئون نیز بر آسیا چشم دوخته و در آرزوی فتح هندوستان بود. او با ایران از در دوستی درآمده سفیرانی نزد فتحعلی‌شاه فرستاد. شاه قاجار نیز در اندیشه جلب دوستی و کمک فرانسه، عهدنامه فین کن‌شتاین را در ۱۶ ماده و یک مقدمه

با دولت فرانسه منعقد ساخت و این کشور را نیز چون انگلیس، در امور مملکت دخیل نمود. روسیه و انگلستان برای مقابله با ناپلئون باهم متحد شدند و پیمانگی در ۱۶ ژوئیه ۱۸۱۲ در باب نزدیکی و همکاری بین این دو قدرت بسته شد. با اتحاد انگلستان و روسیه، انگلیسها از حمایت ایران با روسیه دست کشیده و از جمله، افسران انگلیسی که در ارتش ایران نقش مهمی داشتند پستهای خود را ترك نمودند. انگلستان به دنبال خاتمه جنگ بود و دربار ایران را به این امر تشویق می‌کرد. دولت انگلیس در سال ۱۸۱۲ آمادگی خود را برای میانجیگری بین طرفین اعلام داشت.

ماه اکتبر ۱۸۱۲، سپاه روس به حمله وسیع اقدام نمود؛ قوای عباس میرزا در اصلاندوز شکست سختی خورد؛ روسها ایروان را محاصره نمودند و در ساحل رود ارس مستقر شدند؛ لنکران اشغال شد؛ در ژانویه ۱۸۱۳ سواحل غربی خزر در اشغال قوای روسی بود. ایرانیان از شکستهای پی‌درپی ضعیف و خسته شده و آماده مذاکره بودند؛ مذاکرات در قریه گلستان در منطقه قراباغ شروع شد. میرزا ابوالحسن‌خان شیرازی از جانب دولت ایران و ژنرال رادشچف به نمایندگی روسها در مذاکرات شرکت نمودند. این ژنرال روسی فرمانده نیروهای کشورش در قفقاز بود.

مباحثات بسیار درگرفت و بالاخره عهدنامه گلستان در ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ برابر با ۱۲۲۸ ه. ق بین دول ایران و روسیه تزاری به امضا رسید.

طبق این سند شهرهای باکو - دربند - شیروان - قره‌باغ - شکی و قسمتی از طالش از خاک ایران جدا شد و دولت ایران متعهد شد، ادعایی نسبت به گرجستان، داغستان و ابخاز و ایمریتا نداشته باشد. حدود مرزی بین دو کشور نیز در متن قرارداد مبهم و نامعلوم باقی ماند. مواد ۲ و ۳ قرارداد الحاق این قسمت از ایران را به روسیه تضمین می‌کند. ماده ۴ که مربوط به حمایت دولت روسیه از سلطنت و تاج و تخت قاجار است، دخالت در امور داخلی کشور را سبب می‌شود.

مواد دیگر قرارداد نیز هر يك دست‌اندازی به اقتصاد کشور را برای روسیه تسمهیل نمود.

فتحعلی‌شاه گمان می‌برد با مصالحه و نرمش بتواند تزار را به موضع دوستانه کشیده و سرزمینهای واگذار شده به روسیه را باز ستاند. به دنبال این فکر میرزا ابوالحسن‌خان شیرازی را در ماه مه ۱۸۱۴، با هدایای بسیار و دو زنجیر فیل به دربار روسیه روانه کرد. او می‌خواست به بهانه مبادله اسناد مربوط به عهدنامه گلستان، با تزار روبرو شده و تقاضای خود را در مورد بازپس‌گیری ایالات قفقاز

مطرح نماید. وقتی میرزا به سن پترزبورگ رسید، تزار درقرانسه بود. نمایندگان ایران مدتی در انتظار بازگشت تزار به سر بردند. سرانجام او به کشورش باز گشت و در روز بیستم دسامبر ۱۸۱۴ ایرانیان را ملاقات نمود. درخواستهای شاه ایران مطرح شد، پاسخ تزار منفی و خصمانه بود. اما پس از چندی هراس نزدیکی ایران به ناپلئون که در مارس ۱۸۱۵ از جزیره الب گریخته و سلطنت صدروزه را در کشورش از سر گرفت، تزار روس را برآن داشت تا انعطاف بیشتری در مقابل خواست ایران نشان دهد و از این رو آلکساندر به سفرای ایرانی اعلام داشت که تصمیم دارد بخشهایی از سرزمینهای ایران را مسترد دارد. با شکست ناپلئون در جنگ واترلو و رفع خطر اتحاد فرانسه و ایران برای تزار، او به موضع تند و سخت قبلی باز گشت و ایرانیان را با پیام رد، نزد شاه قاجار باز فرستاد.

تزار روس که پیگیری ایرانیان را برای استرداد سرزمینهای خود دید، هیئتی را به ایران روانه کرد و خواست اتحادی برعلیه عثمانیها بین دو کشور برقرار نماید و ایران را به جنگ با آن دولت وادارد. در این میان قسمتهایی از خاک عثمانی را به ایرانیان واگذارد، تا ایشان بدان زمینها خشنود شده و از متصرفات روسیه چشم ببوشند. شاه قاجار این امر را نپذیرفت و جواب رد داد. تزار روس خشمگین شده در بیانیه‌ای که در تاریخ ۱۶ ژانویه ۱۸۱۸ انتشار داد، بر مفاد معاهد گلستان تأکید نمود و قفقاز را متعلق به روسیه و سعادت و امنیت مردم آن دیار را در جدایی از ایران و پیوند با روسیه خواند.

فتحعلی شاه که شدت اقدامات خصمانه و ناتوانی در برابر دشمن را دید ناچار به دادخواهی از سایر کشورها، میرزا ابوالحسن خان را روانه خارج نمود تا مظالم و تجاوزات روسیه را بر اروپائیان روشن نماید. سفرای ایران در ۱۸۱۹ برابر با ۱۲۳۵ ق با رؤسای چند کشور از جمله سلطان محمود دوم پادشاه عثمانی، فرانسوای اول امپراتور اتریش و لویی هجدهم پادشاه فرانسه و پرنس آ اف ویلز نایب السلطنه انگلیس ملاقات نمود و آنچه بین ایران و روسیه می‌گذشت را برای آنان توضیح داد. این ممالک که روابط با روسیه را دارای اهمیت می‌دانستند و متحدان آن کشور در پیمان اتحاد مقدس بودند، به مسائل مطروحه ایران توجهی نداشتند.

پیش از آن نیز لویی هجدهم فرستادگان فتحعلی شاه را که برای جلب حمایت او به فرانسه رفته بودند، نپذیرفته بود.

عدم وجود مرزهای مشخص در حدود ایران و شوروی که در معاهده گلستان وسیله روسها اعمال شد، آتش جنگ را بار دیگر برافروخت.

در ماه دسامبر ۱۸۱۷ برابر با ۱۳۳۴ ق نماینده‌ای از جانب ژنرال یرمولوف برای مذاکره در مورد اختلافات مرزی به تهران آمد. جلساتی تشکیل شده و مذاکرات به نتیجه نرسید. عباس میرزا منشی خود را به تفلیس نزد یرمولوف فرستاد و درخواست کرد، مناطقی که مورد اختلاف است به ایران واگذار گردد. روس‌ها حاضر به مذاکره در این باره نبودند. میرزا مسعود، فرستاده عباس میرزا را باز گرداندند. نامه‌هایی از جانب عباس میرزا نزد یرمولوف فرستاده شد. روس‌ها سر سازش نداشتند و قصد فشار بر ایران و تجاوز بیشتر به حدود کشور، تنها هدف بود. مرز دو کشور در ایروان و دریاچه گوکچه معلوم نبود. قوای روسیه شهر گوکچه را تصرف نمود. یرمولوف از فرصت استفاده نمود و در خلال جنگ ایران با عثمانی (۱۸۲۱-۱۸۲۳) زمین‌های ایران را در بالغلو و گوک‌چای اشغال نمود. عباس میرزا، حاکم تبریز را به تفلیس فرستاد تا به اشغال این مناطق اعتراض کند. در پی مذاکره، موافقتنامه‌ای امضا شد که به موجب آن گوک‌چای به خاک روسیه ملحق شده و ایران ناحیه قیان را تصاحب نماید، در حالی که این منطقه اصولاً مورد مناقشه نبود و به ایران تعلق داشت. عباس میرزا، زیر بار این توافق نادرست نرفت، روسیه نیز در جواب، سایر قسمت‌های منطقه گوک‌چای را اشغال نمود.

فتحعلی‌شاه، وقایع‌نگار دربار، میرزا صادق مروزی را برای مذاکره با یرمولوف به منطقه فرستاد و ژنرال روسی از مذاکره سر باز زد.

پس از مرگ الکساندر اول در دسامبر ۱۸۲۵، پرنس منچیکف از شاهزادگان روس، برای مذاکرات رسمی و اعلام جانشینی نیکلای اول به دولت ایران، وارد تهران شد.

سفر این شاهزاده روسی در ماه مارس ۱۸۲۶ برابر با ۱۲۴۱ ق، با ابراز خشم ایرانیان نسبت به اقدامات دولت روسیه توأم بود. فرستادگان روس نیز در بازگشت موضع خصمانه نسبت به ایران را با خود به کشورشان بردند.

دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه در این زمان بدون این‌که اعلان جنگ رسمی صورت گرفته باشد، آغاز شد.

در ۲۵ ژوئن ۱۸۲۶ برابر با ۱۲۴۱، عباس میرزا با قوای خود به سپاه روس حمله برد و لنکران و طالش را آزاد کرد. گوک‌چای و بالغلو به دست سربازان ایرانی فتح شد. اهالی گنجه قیام نموده و پادگان روس‌ها در شهر را مورد هجوم قرار دادند. روس‌ها را قتل‌عام نمودند و از قوای ایران در شهر استقبال نمودند.

در قفقاز نیز مردم قیام نموده و در نقاط مسلمان‌نشین با روسها جنگ در گرفت. مناطق متعلق به ایران که طبق معاهده گلستان تسلیم روسیه شده بود، در مدت يك ماه به دست مردم آن دیار، از روسها پاك شد.

شاه قاجار مسرور از پیروزیهای به دست آمده به فکر صلح فوری افتاد و میرزا داوودخان ارمنی را با پیام صلح روانه کرد. فرماندهان روسی از ورود او به خاک روسیه در نقاط مرزی ممانعت کردند و او ناچار از راه دیگر روانه شد. فرستادگان ایران به لهستان رفتند تا از آنجا به سن پترزبورگ عزیمت کنند. داوودخان در بین راه نامه‌ای به پرنس مترنیخ صدراعظم اتریش نوشت و تقاضای میانجیگری نمود. به این نامه پاسخی از اتریش داده نشد. دولت روسیه فرستاده ایران را اجازه ورود به آن کشور نداد.

در ماه سپتامبر ۱۸۲۶ ژنرال یرمولوف يك قشون پنجاه هزار نفری فراهم آورد و به ایرانیان حمله کرد. جنگ شمکور در گرفت و سربازان عباس میرزا در اولین حملات متواری شدند. با شکست نیروهای ایرانی گنجه و دربند بار دیگر به اشغال ارتش روس درآمد. يك ستون از سربازان روسی از رود ارس گذشته به جانب تبریز حرکت کرد.

فتحعلی شاه که حال را چنین دید، در دسامبر ۱۸۲۶ سفیری به قفقاز فرستاد. سفیر او میرزا محمدعلی خان با روسها وارد مذاکره شد. دولت روسیه خواهان تصاحب تمام زمینهای کرانه ارس شد و چون نماینده ایران نپذیرفت، مذاکرات بدون نتیجه پایان گرفت.

جنگها در مناطق مرزی ادامه داشت. در ماه آوریل ۱۸۲۷ نیکلای اول، ژنرال یرمولوف و همکاران او را به دلیل عدم پیشرفت جنگ در جبهه قفقاز، از آنجا فرا خواند و پاسکیویچ نامی را به فرماندهی ارتش روس در جبهه جنگ با ایران منصوب نمود و سربازان تازه نفس کمکی به گرجستان فرستاد. ژنرال پاسکیویچ در ماه مه ۱۸۲۷ ایروان را اشغال نمود.

در این زمان عباس میرزا سپاهیان خود را در اطراف ارس مستقر نمود. شاه قاجار از حمایت و فرستادن کمک برای ولیعهد خود دست کشید، و در چنان موقعیت خطیری ارتش ایران بدون امکانات مادی و پشتیبانی مرکز، تضعیف شد. در اوت ۱۸۲۷ کرانه‌های شمالی رود ارس شاهد درگیری شدیدی بین ایرانیان و قوای روس بود. در پی هشت روز جنگ خونین ایروان سقوط کرد. سپاه روس از ارس گذشت و به سوی تبریز روان شد.

در ۲۴ اکتبر ۱۸۲۷ برابر با ۱۲۴۳ ق، تبریز که بی دفاع و آسیب پذیر بود

سقوط کرد. قوای روس اردبیل را اشغال نموده در آستارا و قافلانکوه موضع گرفتند.

پس از شکستهای پی‌درپی، عباس‌میرزا چند تن از افراد خود را نزد پاسکویویچ فرستاد و آمادگی ایران را برای صلح اعلام داشت. مذاکرات در دهنوارقان صورت گرفت. در ۹ نوامبر ۱۸۲۷. ولیعهد عباس‌میرزا، خود با ژنرال روس وارد مذاکره شد. روس‌ها اراضی شمال ارس و پانزده کرور غرامت جنگی از ایران طلب کردند. چون شاه خبر مربوط به مذاکرات را شنید از اقدامات ولیعهد عصبانی شد و سپاهی گردآورده به‌سوی قزوین به‌راه افتاد.

در قزوین وزیرمختار انگلیس، مک‌دونالد، به‌نزد شاه رفت و پیشنهاد میانجیگری کشورش در جنگ را به‌اطلاع او رسانید. فتحعلی‌شاه که شکست را در پیش رو دیده بود، از این اقدام انگلیس استقبال نمود.

شکستهای نظامی در جنگ با روسیه و اوضاع سیاسی دربار ایران را وادار به‌قبول مذاکرات صلح نمود. مذاکره در دهکده ترکمن‌چای آغاز شد. از ایرانیان ولیعهد عباس‌میرزا، میرزا حسن‌خان وزیرخارجه و میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام در جلسات شرکت داشتند.

هیئت روسی از مقامات نظامی به‌همراه ژنرال پاسکویویچ تشکیل شده بود. نماینده انگلستان که میانجی صلح بود دکتر مک‌نیل پزشک سفارت انگلستان بود. عهدنامه در شانزده فصل و یک مقدمه در تاریخ ۱۰ فوریه ۱۸۲۸ م، برابر با ۵ شعبان ۱۲۴۳ ق، - بهمن ۱۲۰۷ ش، در قریه ترکمن‌چای به امضای طرفین رسید.

در این معاهده علاوه بر ایالات ایران که در عهدنامه گلستان جدا شده بود، ایروان - نخجوان - طالش - قراباغ - و شوره‌گل از خاک ایران به‌روسیه واگذار شد.

یک معاهده‌ای نیز در باب غرامت و تخلیه سرحدات و معاهده‌ای در موضوع تجارت دو کشور و قرارداد تشریفات در تکمیل معاهده اصلی به‌امضا رسید. قانون معروف به کاپیتولاسیون نخستین‌بار در این قرارداد پایه‌گذاری شد و سپس علاوه بر روسیه کشورهای اروپایی دیگر نیز این امتیاز را از ایران دریافت داشتند. کاپیتولاسیون حق ایرانیان را برای مجازات جرائم اتباع خارجی درکشور ایران نقض و اعتبار قضاوت و حکمیت ایرانی را ساقط نمود.

دولت روسیه پس از دریافت اولین قسط از غرامت تعیین‌شده به میزان ده کرور، به نیروهای خود فرمان عقب‌نشینی داد.

قرارداد گلستان و نیز عهدنامه ترکمنچای در زمره قراردادهای استعماری است که در تاریخ کشور ایران حقوق ملت را ضایع و استثمار فرهنگی و مادی بیگانگان را بر سرزمین ایران تحمیل نموده است.

مردم ایران اعتراض و ناراضایی خود از پیمان ترکمانچای را ظاهر نمودند، گرجیان و ساکنان گرجستان که همواره ایران را میپنداشتند در دوران تسلط روس بر دیارشان، رابطه خود را با دولت ایران محفوظ داشتند. پاسکیویچ روسی، فرمانده نظامیان روس که از این روابط اطلاع یافت، در نامه تهدید به حمله و اشغال تهران و براندازی قاجار نمود و همچنین به روابط ایران و انگلیس و ترکهای عثمانی اشاره نمود. در این زمان روسیه هنوز با عثمانی در حال جنگ بود و این جنگ سال بعد با عقد پیمان صلح ادرنه پایان گرفت.

دولت روسیه در ۱۶ ژوئیه ۱۸۲۹ وزیرمختاری به نام گریبایدوف را به عنوان نماینده دایم خود به ایران فرستاد. گریبایدوف از بدو ورود به تهران از موضع دولت فاتح دست به اقدامات شدید و اغتشاش زد و درصدد جمع‌آوری مهاجران از روسیه و زنان و مردان گرجی و ارمنی که سالها در ایران زندگی می‌کردند و خانواده‌های ایشان در این کشور بودند، شد. او در این کار تا آنجا پیش رفت که به قهر متوسل شده نوکران خود را برای انتقال زنان گرجی از جمله دو زن که در خانه آصف‌الدوله سکونت داشتند، فرستاد. این اعمال سبب خشم مردم شده اعتراض عمومی را آغاز نمودند، بازار را بستند و مجتهد استرآبادی با مردم به سوی سفارت روس روانه شدند. دولت نتوانست از موج خشم مردم جلوگیری کند. ایرانیان معترض در ۱۱ فوریه ۱۸۲۹ به سفارت روس حمله بردند. محافظان سفارت به سوی مردم تیراندازی کردند و در نتیجه سه تن ایرانی به قتل رسیدند. مردم سی و هفت نفر روس که عدد ایشان را تا ۸۰ نفر ذکر کرده‌اند به قتل رسانده، گریبایدوف را نیز کشتند. تنها دبیر اول سفارت مالتسف نامی که پنهان شده بود جان به در برد. محل سفارت نیز غارت و ویران شد.

فتحعلی‌شاه از این حوادث نگران شد. میرزا مسعود مستوفی انصاری با پیام‌های پوزش از جانب عباس‌میرزا، برای تزار روس و پاسکیویچ به روسیه گسیل شد. از آنجا که مالتسف حرکات نمایندگان روس در سفارت را شهادت داد و دولت ایران نیز از خود سلب مسئولیت نموده بود و نیز احتمال نزدیکی بیشتر ایران با عثمانی‌ها که در جنگ با روسیه به سر می‌بردند، وجود داشت. تزار و دولت روسیه، عذر ایران را پذیرفته و دولت ایران را در این وقایع مقصر نشناخت.



روسیه سفیر دیگری به نام ژنرال دالگورکی به تهران فرستاد. سفیر جدید پس از ورود به ایران به دربار توصیه نمود تا برای بروز حسن نیت ایران، یکی از شاهزادگان درجه اول دربار، به روسیه سفر کند و دولت وانمود سازد که مسببین قتل روس‌ها در تهران را به‌سزای عمل خواهد رساند. شاه قاجار این بیانات را پذیرفته و خسرو میرزا پسر عباس میرزا را در رأس هیئتی مرکب از محمدخان امیرنظام زنگنه، میرزا صالح شیرازی، میرزا مسعود انصاری و میرزا تقی‌خان فراهانی با پیغام‌های مودت در آوریل ۱۸۲۹ به سن پترزبورگ گسیل نمود. تزار با استقبال گرم از شاهزاده ایرانی در ۲۳ اوت ۱۸۲۹، برای ابراز محبت يك قسط از بدهی ایران را بخشید.

دولت ایران برای پرداخت قسط دوم بدهی‌های مربوط به غرامت جنگ که مربوط به مفاد معاهده ترکمان‌چای بود، مجبور به دریافت وام از دولت انگلستان در مقابل اعطای امتیازاتی شده بود.

دولت انگلستان در مقابل روس‌ها و استفاده ایشان از آنچه وسیله عقد عهدنامه ترکمان‌چای در ایران کسب می‌نمودند، ایستادگی نمود و مصمم شد با سایر دول اروپا، از جمله فرانسه، برعلیه روسیه هم‌پیمان شود. انگلستان از نفوذ روزافزون روس‌ها در آسیا هراسان بود. امپراتوری روسیه در این زمان قدرت بسیار داشت. در ایران نیز پیمان منعقد شده بین ایران و روس موقعیت رو به‌فزونی برای روس‌ها فراهم آورده بود. امپراتوری عثمانی نیز نفس‌های آخر را می‌کشید.

پس از فتح‌علی‌شاه، سلطنت چهارده‌ساله نوه او محمدشاه، پسر عباس میرزا آغاز شد. (۱۲۵۰ ه.ق. برابر با ۱۲۰۹ ش). در دوران سلطنت این شاه قاجار، دربار، خود و ایران را بیش از پیش به روسیه نزدیک نمود و روابط بین دربار تزار و تهران تحکیم شد.

محمدشاه با اتکا به حمایت روسیه علیه سیاست‌های انگلیس اقدام نمود و در

برابر خواست دولت انگلیس مبنی بر جدایی افغانستان از ایران ایستادگی کرد. محمدشاه دوست محمدخان امیر کابل را برای دریافت مالیاتهای معوقه تحت فشار گذارده و چون سرپیچی او از دولت ایران را دید، آماده لشکرکشی به آن سامان شد. محمدشاه با قوای خود در ربیع‌الثانی ۱۲۵۳ به جانب خراسان رهسپار شد و نیروی ایران ده ماه هرات را در محاصره گرفت.

انگلستان با حضور در افغانستان و تحریک حاکمان آن سامان، ایشان را از تسلیم بازداشت. وزیرمختار انگلیس در ایران به دستور دولت خود نزد محمدشاه در اردوی قشون ایران رفته و از جانب دولت انگلستان تهدید به اقدام متقابل نمود. محمدشاه به بیانات ایشان واقعی ننهاد. مقام انگلیسی به عنوان مذاکره‌داخل هرات شد و به افغانیان قول حمایت نظامی داد و ایشان را به مقاومت تشویق نمود تا زمانی که نیروهای انگلیسی در سواحل جنوب آماده حمله به سپاه ایران شوند. دربار انگلستان، که رسماً به ایران اعلان جنگ در صورت عدم شکست حمله و محاصره هرات را ابلاغ نموده بود، کشتی‌های جنگی خود را روانه آبهای خلیج فارس نمود و جزیره خارک توسط سربازان انگلستان اشغال شد. با این اقدام شدید انگلستان، محمدشاه دست از محاصره هرات برداشت و به پایتخت باز گشت. ناصرالدین‌شاه قاجار نیز با حمایت روسیه در سن بیست و یک سالگی بر تخت سلطنت نشست.

در دوره‌های بعد، تاریخ ایران شاهد اقدامات استعمارگرانه روسیه در سالهای بسیار بوده است.

متن معاهده ایران و روسیه

اعلیحضرت قضاقدرت پادشاه اعظم والجاه، امپراطور اکرم شوکت دستگاه، بالاستقلال کل ممالک روسیه و اعلیحضرت کیوان رفعت، خورشید آیت، خسرو نامدار، پادشاه اعظم با اقتدار ممالک ایران چون هردو علی-السویه اراده و تمنای صادقانه دارند که بنوایب و مکاره جنگی که بالکلیه منافی رأی والای ایشان است نهایتی بگذارند و سنت‌های قدیم حسن مجاورت و مودت را مابین این دو دولت به واسطه صلحی که متضمن دوام باشد و بواعث خلاف و نفاق آتیه را دور کند در بنای مستحکم استقرار دهند لذا برای تقدیم این کار خجسته آثار اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه، جناب ایوان پسکویچ جنرال ایوتاند خود جنرال انفاندوری سردار عساکر جداگانه قفقاز، و ناظم امورات ملکیه گرجستان، و ولایتمای قفقاز و حاجی ترخان برسفاین حربیه بحرخرز، و صاحب حمایلات الکسندرنبوی مقدس مرصع به‌الماس، و ولادمیر مقدس مرتبه اول، و گیورکی مقدس مرتبه دوم، و صاحب دو شمشیر افتخار یکی طلا و سیم برای شجاعت و دیگری

مرصع به الماس و صاحب حمایلات دول خارجه، مرتبه اولین عقاب سرخ پیکر روسیه و هلال دولت عثمانی و نشانهای دیگر و جناب الکسندر اوپروسکوف و لیوتیلنی اسطاطسکی سوئینک قامر کروور بار امپراطوری و صاحب حمایلات مقدسه مرتبه ثالث ولادیمیر، و مرتبه ثانی ستانیسلاوی له و ایعونای بروسلیمی را و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران نواب مستطاب والا، شاهزاده نامدار، جمیل العنوان، نایب السلطنه عباس میرزا را وکلای مختار خود تعیین کردند و ایشان بعد از آنکه در ترکمانچای مجتمع شدند و اختیارنامه‌های خود را مبادله کرده موافق قاعده و شایسته دیدند فصول آتیه را تعیین و قرارداد کردند.

فصل اول - بعدالایوم مابین اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران و ولیعهد آن و اخلاف و ممالک و رعایای ایشان مصالحه و مودت و وفاق کامل الی الابد واقع خواهد بود.

فصل دوم - چون نزاع و جدالی که فیما بین عهدکنندگان رفیع الارکان واقع شد و امروز بسعادت منقطع گردید عهد و شروطی را که به موجب عهدنامه گلستان بر ذمت ایشان لازم بود موقوف و متروک میداشت لهذا اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران چنین لایق دیدند که به جای عهدنامه مزبوره گلستان عهدنامه دیگری به این شروط و عهد قرار دهند که مابین دو دولت روس و ایران بیشتر از پیشتر موجب استقرار و انتظام روابط آتیه صلح و مودت گردد.

فصل سیم - اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران از جانب خود و از جانب ولیعهدان و جانشینان به دولت روسیه واگذار میکند تمامی الکای نخجوان و ایروان را خواه اینطرف رود ارس باشد یا آنطرف و نظر به این تفویض اعلیحضرت پادشاه ایران تعهد می‌کند که بعد از امضای این عهدنامه در مدت شش ماه همه دفتر و دستورالعمل را که متعلق به اداره این دو ولایت مذکور باشد بتصرف امرای روسیه بدهند.

فصل چهارم - دولتین علیتین معاهدتین عهد پیمان میکنند که برای سرحد فیما بین دو مملکت بدین موجب خط سرحد وضع نمایند از نقطه سرحد ممالک عثمانی که از خط مستقیم به‌قله کوه آغری کوچک اقریست ابتدا کرده این خط تا به‌قله آن کوه کشیده می‌شود و از آنجا تا بسرچشمه رودخانه مشهور بقراسوی پائین که از سرایشیب جنوبی آغری کوچک جاری است فرود آمده به‌متابعت مجرای این رودخانه تا بالتقای آن به رودخانه ارس در مقابل شرور ممتد می‌شود چون این خط به‌آنجا رسید به‌متابعت

مجرای ارس تا به قله عباس آباد می آید و در دور تعمیرات و ابنیه خارجه آن که در کنار راست ارس واقع است نصف قطری بقدر نیم فرسخ که عبارت از سه ورس و نیم روسی است رسم می شود و این نصف قطر در همه اطراف امتداد می یابد همه اراضی و عرصه که در این نصف قطر محاط و محدود می شود بالانفراد تعلق بروسیه خواهد داشت و از تاریخ امروز در مدت دو ماه با صحت و درستی کامل معین و مشخص خواهد شد و بعد از این از جایی که طرف شرقی این نصف قطر متصل به ارس می شود خط سرحد شروع و متابعت مجرای ارس میکند تا به معبر بعدی بلوک و از آنجا خاک ایران بطول مجرای ارس امتداد می یابد تا به فاصله و مسافت سه فرسخ که عبارتست از بیست و یک ورس روسی بعد از وصول به این نقطه خط سرحد به استقامت از صحرای مغان می گذرد تا به مجرای رودخانه بالهارود به محلی که در سه فرسخی واقع است که عبارتست از بیست و یک ورس پائین تر از ملتقای دو رودخانه کوچک موسوم به آدینه بازار و ساری قمش و از آنجا این خط به کنار چپ بالهارود تا به ملتقای رودخانه مذکور آدینه بازار و ساری قمش صعود کرده بطول کنار راست رودخانه آدینه بازار شرقی تا به منبع رودخانه و از آنجا تا باوج بلندیهای جکیر امتداد می یابد به نوعی که جمله آبهای که جاری بحر خزر می شود متعلق به روسیه خواهد بود و همه آبهای که سرایشب و مجرای آنها به جانب ایران است تعلق به ایران خواهد داشت. چون سرحد دو مملکت اینجا به واسطه قلال جبال تعیین می یابد لهذا قرارداد شده که پشتهایی که از این کوهها به سمت بحر خزر است به روسیه و طرف دیگر آنها به ایران متعلق باشد از قله بلندی های جکیر خط سرحد تا به قله کمرقوئی به متابعت کوههایی می رود که طالش را از محال ارشق منقلص می کند چون قلال جبال از جانبین مجرای میاه را فرق می دهد لهذا در اینجا نیز خط سرحد را همان قسم تعیین می کند که در فوق در باب مسافت واقع مابین منبع آدینه بازار و قلال جکیر گفته شد بعد از آن خط سرحد از قله کمرقوئی به بلندی های کوههایی که محال زوندا از محال ارشق فرق می دهد متابعت می کند تا بسرحد محال ولکیچ همواره برطبق همان ضابطه که در باب مجرای میاه معین شد محال زوند بنخیر از آن حصه که در سمت مخالف قلال جبال مذکوره واقع است از اینقرار حصه روسیه خواهد بود. از ابتدای سرحد محال ولکیچ خط سرحد مابین دو دولت به قلال جبال کلپوتی و سلسله کوههای عظیم که از ولکیچ می گذرد متابعت می کند تا به منبع شمالی رودخانه موسوم به آستارا پیوسته به ملاحظه همان ضابطه در باب مجرای میاه و از آنجا خط سرحد متابعت مجرای این رودخانه خواهد کرد تا به ملتقای دهنه آن به بحر خزر و خط سرحد را که بعد از بین متصرفات روسیه و ایران را از هم فرق خواهد داد تکمیل خواهد نمود.

فصل پنجم - اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران برای اثبات دوستی خالصانه که نسبت به اعلیحضرت امپراطور کل روسیه به این فصل از خود و از عوض اخلاف و ولیعهدان سریر سلطنت ایران تمامی الکای و اراضی و جزایری را که در میانه خط حدود معینه در فصل مذکوره فوق و قتل برفدار کوه قفقاز و دریای خزر است و کذا جمیع قبایل را چه خیمه نشین چه خانه دار که از اهالی ولایات مذکوره هستند واضحاً و علناً السی الاابد مخصوص و متعلق به دولت روسیه میدانند.

فصل ششم - اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران به تلافی مصارف کثیره که دولت روسیه را برای جنگ و واقعه بین الدولتین اتفاق افتاده و همچنین به تلافی ضررها و خسارتهای که به همان جهت به رعایای دولت روسیه رسیده تعهد می کند که به واسطه دادن مبلغی وجه نقد آنها را اصلاح نماید و مبلغ این وجه بین الدولتین بده کرور تومان رایج قرار گرفت که عبارتست از بیست میلیون منات سفید روسی و چگونگی و موعد و زمان وصول این وجه در قرارداد علیحده که همان قدر قوه و اعتبار خواهد داشت که گویا لفظ به لفظ در این عهدنامه مصالحه العالیه مندرج است معین خواهد شد.

فصل هفتم - چون اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران شایسته و لایق دانسته همایون فرزند خود شاهزاده عباس میرزا را ولیعهد و وارث تخت فیروزی به بخت تعیین نموده است اعلیحضرت امپراطور کل روسیه برای این که از میل های دوستانه و تمنای صادقانه خود که در مزید استحکام این ولیعهدی دارد به اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران برهانی واضح و شاهی لایح بدهد تعهد می کند که ازین روز به بعد شخص وجود نواب مستطاب والا شاهزاده عباس میرزا را ولیعهد و وارث برگزیده تاج و تخت ایران شناخته از تاریخ جلوس بتخت شاهی پادشاه بالاستحقاق این مملکت داند.

فصل هشتم - سفاین تجارت روس مانند سابق استحقاق خواهند داشت که به آزادی بر دریای خزر و بطول سواحل آن سیر کرده، به کناره های آن فرود آیند و در حالت شکست کشتی در ایران اعانت و امداد خواهند یافت و همچنین کشتی های تجارتي ایران را استحقاق خواهد بود که بقرار سابق در بحر خزر سیر کرده بسواحل روس آمد و شد نمایند و در آن سواحل در حال شکست کشتی بهمان نسبت استعانت و امداد خواهند یافت.

در باب سفاین حربیه که علمهای عسکریه روسیه دارند چون از قدیم بالانفرد استحقاق داشتند که در بحر خزر سیر نمایند لهذا همین حق مخصوص کمافی السابق امروز با اطمینان بایشان داده می شود به نحوی که غیر از دولت روسیه هیچ دولت دیگر نمیتواند در بحر خزر کشتی جنگی

فصل نهم - چون مکنون خاطر اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران این است که من کل الوجوه عهدی را که به این سعادت و میمنت مابین ایشان مقررگشته مستحکم نمایند لهذا قرارداد نمودند که سفرا و وکلا و کارگذارانی که از جانبین به دولتین علیتین تعیین می‌شوند خواه برای انجام خدمت‌های اتفاقی یا برای اقامت دائمی بفرخور مرتبه و موافق شأن دولتین علیتین و ملاحظه مودتی که باعث اتحاد ایشان گشته به عادت ولایت مورد اعزاز و احترام شوند و در این باب دستورالعملی مخصوص و تشریفات قرار خواهند کرد که از طرفین مرعی و ملحوظ گردد.

فصل دهم - چون اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران استقرار و افزایش روابط تجارت را مابین دودولت مانند یکی از نخستین فواید ملاحظه کردند که می‌بایست از تجدید مصالحه حاصل شود لهذا قرارداد نمودند که تمامی اوضاع و احوال متعلقه به حمایت تجارت و امنیت تبعه دو دولت را به نوعی که متضمن مرابطه کامل باشد معین و منظم و در معاهده جداگانه که به این عهدنامه ملحق و مابین وکلای مختار جانبین مقرر و مانند جزء متمم او مرعی و ملحوظ می‌شود مضبوط و محفوظ دارند. اعلیحضرت پادشاه ایران برای دولت روس کمافی‌السابق این اختیار را مرعی می‌دارد که در هر جا که مصلحت دولت اقتضا کند کنسول‌ها و حامیان تجارت تعیین نماید و تعهد می‌کند که این کونسول‌ها و حامیان تجارت را که هر یک زیاده از ده نفر اتباع نخواهد داشت فراخور رتبه ایشان مشمول حمایت و احترامات و امتیازات سازد. اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه از جانب خود وعده می‌کند که درباره کونسول‌ها و حامیان تجارت اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران به همین وجه مساوات کامله مرعی دارد و در حالتی که از جانب دولت ایران نسبت به یکی از کونسول‌ها و حامیان تجارت روسیه شکایتی محققه باشد وکیل یا کارگزار دولت روس که در دربار اعلیحضرت پادشاه ایران متوقف خواهد بود و این حامیان و کونسول‌ها بلاواسطه در تحت حکم او خواهد شد او را از شغل خود بیدخل داشته بهر که لایق داند اداره امر مزبور را برسبیل عاریه رجوع خواهد کرد.

فصل یازدهم - همه امور و ادعاهای تبعه طرفین که به سبب جنگ به تأخیر افتاده بود بعد از انعقاد مصالحه موافق عدالت به اتمام خواهد رسید و مطالباتی که رعایای جانبین از یکدیگر یا از خزانه داشته باشند به تحصیل

و تکمیل وصول پذیر خواهد شد.

فصل دوازدهم - دولتین علیتین متعاهدتین بالاشتراک در منفعت تبعه جانبین قرارداد می کنند که برای آنهایی که مابین خود بسیاق واحد در دو جانب رود ارس املاک دارند موعدی سه ساله مقرر نمایند تا به آزادی در بیع یا معاوضه آنها قدرت داشته باشند لکن اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه از منفعت این قرارداد در همه آن مقداری که باو متعلق و واگذار میشود سردار سابق ایروان **حسینخان** و برادر او **حسنخان** و حاکم سابق **نخجوان کریمخان** را مستثنی می دارد.

فصل سیزدهم - همه اسرای جنگ دولتین خواه در مدت جنگ آخر باشد یا قبل از آن و همچنین تبعه طرفین که باسیری افتاده باشند از هر مدت که باشد همگی لغایت چهار ماه به آزادی مسترد و بعد از آنکه جیره و سایر تدارکات لازمه به ایشان داده شد به عباس آباد فرستاده می شود تا اینکه به دست مباشرین جانبین که در آنجا مأمور به گرفتن و تدارک فرستادن ایشان به ولایت خواهند بود تسلیم شوند دولتین علیتین متعاهدتین در باب همه اسرای جنگ و تبعه روس و ایران که باسیری افتاده و بعلت دوری مکانهایی که از آنجا آمده اند یا به علت اوضاع و اسباب دیگر در مدت معینه مسترد نشده باشند همان قرارداد را می کنند و هر دو دولت های وقت کان اختیار بیحد و نهایت خواهند داشت که آنها را مطالبه کنند و تمهید می کنند که هر وقت اسیر خود به دولت عرض نماید یا ایشان را مطالبه کنند از جانبین مسترد سازند.

فصل چهاردهم - دولتین علیتین معاهدتین جلای وطن کنندگان و فراریان را که قبل از جنگ یا در مدت آن به تحت اختیار جانبین گذاشته باشد مطالبه نمی کنند و لکن برای منع نتایج مضره جانبین که از مکاتبات و علایق خفیه بعضی ازین فراریان با هم ولایتیان یا اتباع قدیم ایشان حاصل می تواند شد دولت ایران تمهید می کند که حضور و توقف اشخاصی را که الحال یا بعد ازین به اسم مشخص خواهد شد از متصرفات خود که مابین ارس و خط رودخانه موسوم بچهریق و دریاچه ارومی و رودخانه مشهور به چقنو و قزل اوزن تا التقای آن به دریای خزر واقعت رخصت ندهد اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه از جانب خود همچنین وعده می کند که فراریان ایران را در ولایت قراباغ و نخجوان و کذالك در آن حصه ولایت ایروان که در کنار راست رود ارس واقعت اذن توطن و سکنت ندهد لکن معلوم است که این شرط معمول و مجری نبوده و نخواهد بود مگر در باب اشخاصی که صاحب منصب ملکیه یا مرتبه و شان دیگر باشند مانند خوانین و بیکها

و ملاحای بزرگ که صورت رفتارها و اغواها و مغایرات و مکاتبات خفیه ایشان درباره هم‌ولایتیان و اتباع و زیردستان قدیم خود موجب یکنوع رسوخ و تأثیر بافساد و اخلال تواند شد.

درخصوص رعایای عامه مملکتین مابین دولتین قرارداد شد که رعایای جانبین که از مملکتی به مملکت دیگر گذشته باشند یا بعد از این بگذرند مأذون و مرخص خواهند بود که در هرچائی که آن دولت که این رعایا به تحت حکومت و اختیار او گذاشته باشند مناسب داند سکنی و اقامت کنند.

فصل پانزدهم - اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران باین حسن اراده که آرام و آسایش را به ممالک خود باز آرد و موجبات مکاره را که اکنون به سبب این جنگ و خصومت بر اهالی مملکت رو آورده و به جهت انعقاد این عهدنامه که به فیروزی تمام سمت انجام می‌پذیرد از ایشان دور کند. بپمه رعایا و ارباب مناصب آذربایجان عفو کامل و شامل مرحمت می‌فرمایند و هیچیک از ایشان بدون استثنای مراتب و طبقات به جرم غرضها و عملها و رفتارهای ایشان که در مدت جنگ یا در اوقات تصرف چند وقت قشون روسیه از ایشان ناشی شده نباید معاقب شود و آزار ببینند و نیز از امروز یکساله مهلت به ایشان مرحمت میشود که به آزادی با عیال خود از مملکت ایران به مملکت روس انتقال نمایند و اموال و اشیاء خود را نقل یا بیع کنند بدون این که دولت یا حکام ولایات اندک ممانعت کنند یا از اموال و اشیاء منقوله یا مبیعه ایشان حقی و مزدی اخذ نمایند و در باب املاک ایشان پنجساله موعده مقرر می‌شود که در آن مدت بیع یا برحسب خواهش خود بناگذاری در باب آنها نمایند و از این عفو و بخشش مستثنی می‌شوند کسانی که در این مدت یکسال به سبب بعضی تقصیرها و گناههایی که مستلزم سیاست دیوانخانه باشد، مستوجب عقوبت میگرددند.

فصل شانزدهم - بعد از امضای این عهدنامه مصالحه فی الفور و کلای مختار جانبین اهتمام خواهند داشت که به همه جا دستورالعمل و حکمهای لازمه بفرستند تا بلا تأخیر خصومت را ترک نمایند و این عهدنامه صالحه که در دو نسخه به یک مضمون ترتیب یافته است و بدستخط و کلای مختار جانبین رسیده بمهر ایشان مسمور و مابین ایشان مبادله شده است از جانب اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران مصدق و ممضی و تصدیق نامهای متداوله که بدستخط مخصوص ایشان مزین خواهد بود در مدت چهارماه یا زودتر اگر ممکن باشد مابین و کلای مختار ایشان مبادله خواهد شد. در قریه ترکمان‌چای دهم فورال ۱۸۲۸ عیسوی که پنجم شعبان ۱۲۴۳ هجری است به ملاحظه و تصدیق نواب نایب‌السلطنه و بامضای وزیر دول خارجه میرزا ابوالحسن خان رسید.

معاهده

در باب کرورات و تخلیه سرحدات

فصل اول - نظر بماحصل فصل چهارم عهدنامه عمده امروزه اعلیحضرت پادشاه ممالك ایران تمهد میکند که از تاریخ اختتام عهدنامه مزبوره در مدت دو ماه همه حصه طالش را که بالاستحقاق متعلق بدولت روسیه است و سرحد آن بصحت و درستی بموجب فصل چهارم عهدنامه عمده معین شده است و بعلت افعال خصمانه صادره قبل از جنگ که این عهدنامه بسعادت بانتهما میرساند بتصرف عسکر ایران درآمده است از قشون خود تخلیه کرده بمأمورین روس که بهمین جهت بآن مکانها فرستاده خواهد شد تسلیم نمایند تا زمان تفویض ولایت مذکوره بوکلای روسیه دولت ایران بدقت متوجه خواهد شد که هیچگونه ظلمی و تعدی باهالی آنولایت واموال ایشان معمول نباشد و حکام ولایت از هرگونه خلاف ضابطه و نظام که درینمدت آنجا اتفاق بیفتد از طرف دولت مؤاخذه خواهند بود.

فصل دوم - نظر بماحصل فصل ششم عهدنامه عمده امروزه کهبموجب آن اعلیحضرت پادشاه ممالك ایران بصراحة متمهد شده است که باعلیحضرت امپراطور کل ممالك روسیه بعوض خسارت ده کرور تومان رایج که عبارتست از بیست میلیون مناط سفید روسی بدهد. مابین دولتین علیتین معاهدتین مقرر گشته است که سه کرور تومان از آن در مدت هشت روز که بلافاصله بعد از اختتام این عهدنامه مذکوره انقضاء مییابد بوکلای مختار روسیه یا بگماشتگان ایشان داده میشود و دو کرور تومان نیز پانزده روز دیرتر وصول یابد و سه کرور هم در غره شهر اپریل سنه ۱۸۲۸ مسیحی که عبارتست از بیست و ششم شهر رمضان ۱۲۴۳ هجری ایصال گردد و دو کرور باقی هم که تتمه ده کرور تومان است که دولت ایران بهدولت روسیه متمهد ایصال گشته در غره شهر می سنه ۱۸۳۰ مسیحیه که عبارتست از بیست و دوم جدی سنه ۱۲۴۵.

فصل سیم - به نیت آنکه باعلیحضرت امپراطور کل ممالك روسیه جهت ایصال صحیح و کامل وجه خسارت مذکوره رهنی بدهند مابین دولتین علیتین معاهدتین قرارداد شده است که تا ایصال کامل هشت کرور تومان تمامی ولایات آذربایجان در تصرف بی واسطه عساکر روسیه مانده اداره و انتظام آن بالانحصار برای منافع روسیه باشد بنوعی که حکومت مستعاری که الحال در تبریز وضع شده است در اجرای تسلط و رفتار خود که برعایت و حفظ ضابطه و آسایش درونی متعلق وبامضای وسایل مخصوصه جهت تدارک ضروریات عساکری که باید علی سبیل العاریه در ولایت مذکوره مقیم باشد مربوط است امتداد یابد اگر خدا ناکرده مبلغ مزبور فوق که هشت کرور تومان است تا روز پانزدهم ماه اگوست ۱۸۲۸ که عبارتست

از پانزدهم شهر صفرالمظفر ۱۲۴۴ هجری بتمامه تسلیم نشود معلوم بوده و خواهد بود که تمام ولایت آذربایجان از ایران انفصال دائمی خواهد یافت و اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه مطلقاً استحقاق خواهد داشت که آنرا یا ضمیمه ممالک خود سازد یا در زیر حمایت بیواسطه و بالانفراد خود خان نشینهای خودش که انتقال آنها به ارث باشد در آن معین کنند و در باب مبلغنهاییکه برطبق این قرارداد در آنوقت بدولت روس وصول یافته باشد ایضاً معلوم است که همه بی‌مطالبه و استرداد برای نفع او میماند. اما درینصورت دولت ایران نزد دولت روس بالمره از تمهدات نقدیه بری-الذمه خواهد بود لکن مقرر است که همینکه اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران دو کرور از این سه کروری که بعد از پنج کرور تومان وجه خسارت مشروطه میبایست داده شود تسلیم کرده شود همه آذربایجان انتهای مرتبه در مدت یکماه از عساکر روسیه تخلیه خواهد شد و باختیار ایرانیان واگذار خواهد گردید اما قلعه و ولایت خوی مانند رهن ایصال کرور سیسم از کرورات مذکوره که باید بالتمام در پانزدهم ماه اگوست سنه ۱۸۲۸ مسیحیه برسد در اقتدار عساکر روسیه خواهد ماند جنرالیه که لشکر روسیه در اختیار او خواهد بود در باب تخلیه ورد همه یا جزو آذربایجان موافق آنکه اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران بدولت امپراطوریه روسیه در موعد معهود همه هشت کرور یا همین هفت کرور تومان را داده باشد پیش از وقت دستورالعمل لازمه در دست خواهد داشت و حکومت مستعمار تبریز در آنوقت اختیاری را که دارد از خود سلب کرده وکلای ایران که برای این کار از طرف اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران مأمور خواهند بود فوراً بتصرف آن خواهند پرداخت لکن بدون اینکه ضابطه و آسایش خلق مشوش تواند شد و در شرایط و تمهداتی که در عهدنامه عمده مصالحه الحال ودر این فصول زایده مقرر گشته است تغییری حاصل نتواند کرد.

فصل چهارم - عساکر روسیه که بنا بر فصل سابق چند وقت آذربایجان را در تصرف خواهند داشت چون اختیار تام و تمام که موافق صوابدید فرمانفرمای عساکر روسیه در هر جای این مملکت اقامت نماید لهذا قرار داده شد که عساکر ایران که هنوز در بعضی اماکن آذربایجان منتشرند بلافاصله بیرون روند و خود را بولایات داخله ایران بکشند.

فصل پنجم - برای رفع اموریکه موجب اختلال ضابطه و نظام عسکریه میشود و حفظ آن مابین عساکر جانبین در مدت تصرف چند وقته ولایات که در فصل سابق قرار داده شده بغایت لازم است مقرر شد که درین مدت اقامت همه فراری لشکر روس که بجانب ایرانیان بگذرد باید که بواسطه رؤسای ایران گرفته شده فی الفور به نزدیک ترین رؤسای عساکر روس تسلیم

شود و همچنین همه فراری لشکر ایران که بجانب روسیه بگذرد بلافاصله گرفته شده بنزدیکترین حاکم ایران تسلیم شود.

فصل ششم - همان ساعت بعد از مبادله تصدیق نامها از جانبین بمباشرها برای تشخیص خط سرحدی که بواسطه فصل چهارم عهدنامه عمده امروزه شرط شده نامزد خواهد شد و کذالك برای ترتیب نقشه صحیح از آن که يك نسخه بمهر مباشرین رسیده بتصحیح فرمانفرمای گرجستان و نسخه دیگر در کمال مشابہت بتصحیح نواب مستطاب نایب-السلطنه عباس میرزا عرض خواهد شد و بعد از آن این نقشه مبادله شده مستوثق و در مستقبل دست‌آویز سند خواهد بود.

این فصول جداگانه که برای تکمیل عهدنامه عمده امروزه تشخیص یافته و مشتمل بر دو نسخه است همانقدر قوه و اعتبار خواهد داشت که گویا لفظ بلفظ در آنجا مندرج است در هر حال ما وکلای مختار اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران آنها را دستخط گذاشته مهر کردیم تحریراً در قریه ترکمانچای بتاریخ دهم شهر فیورال ۱۸۲۸ مسیحیه که عبارتست از پنجم شهر شعبان ۱۲۴۳ هجری.

معاهده در باب تجارت

فصل اول - چون دولتین علیتین معاهدتین تمنا دارند که اتباع خود را از جمله منافع و فوایدی که از آزادی و رخصت تجارت حاصل میشود بهره‌مند دارند لهذا باین تفصیل قرارداد کردند که رعایا و اتباع روس که تذکره معارفه در دست داشته باشند در همه ممالک ایران میتوانند تجارت کرده و کذالك بمملکت‌های مجاور دولتهای مذکوره میتوانند رفت و بهمین نسبت اهالی ایران امتعه خود را از دریای خزر یا از راه خشکی سرحد دولتین روس و ایران بمملکت روس میتوانند برد و معاوضه و بیع نموده و خرید کرده متاع دیگر بیرون برده و از هرگونه حقوق و امتیازاتی که در ممالک اعلیحضرت امپراطوری باتباع دولتهای کامله‌الوداد اروپا داده میشود بهره‌مند خواهند شد در حالتیکه یکی از اتباع دولت روس در مملکت ایران وفات یابد اموال منتقله او چون متعلق بر رعیت دولت دوست است بدون قصور باقوام یا شرکای او تسلیم خواهد شد که باختیار تمام بنحویکه شایسته دانند معامله نمایند و در صورتیکه اقوام و شرکای او موجود نباشند اختیار ضبط و کفالت همین اموال بوکیل یا کارگزار یا کنسولهای روسیه واگذار میشود بدون اینکه هیچ ممانعت از جانب حکام ولایت ظاهر شود.

فصل دوم - حجاج و بروات و ضمانت‌نامها و دیگر عهدها که برای امور تجارت خود مابین اهالی جانبین مکتوباً میگذرد نزد کونسول روسیه و حاکم ولایت و در جائیکه کونسول نباشد تنها نزد حاکم ولایت ثبت میشود تا اینکه هنگام منازعه بین‌الطرفین برای قطع دعوی برطبق عدالت‌تحقیقات لازمه توانند کرد. اگر یکی از طرفین خواهد که بدون اینکه بنحو مذکور فوق تمسکات محرز و مصدقه که لایق قبول هر محکمه عدالتست در دست داشته باشد از دیگری ادعائی نماید و جز اقامه شهود دلیلی دیگر نیارد این قبیل ادعاها مادامیکه مدعی علیه خود تصدیق بحقیقت آن ننماید مقبول نخواهد شد و همه معاملات منعقد شده بصورت مذکوره مابین اهالی جانبین واقع شده باشد با دقت تمام مرعی و ملحوظ شده هرگونه مجانبت که در انجام آن بظهور رسد و باعث ضرر یکی از طرفین گردد مورث تلافی خسارت تناسبه از طرف دیگر خواهد شد و در صورتیکه یکی از تجار روس و ایران مفلس و ورشکست شود حق بارباب طلب از امتعه و اموال او داده میشود اما اگر از وکیل و کارگزار یا کنسول استعمال نمایند که مفلس مذکور مال ممکن‌التصرف که بکار استرضای همان ارباب طلب بیاید در ولایت روسیه گذاشته است یا نه برای تحقیق کردن این مطلب از مساعی جمیله خود مضایقه نخواهند کرد. این قراردادها که در این فصل معین گشته و همچنین درباره اهالی ایران که در ولایت روس موافق قوانین ملکیه تجارت میکنند مرعی خواهد شد.

فصل سیم - برای اینکه بتجارت تبعه جانبین منافعی را که علت غائی شروط سابق‌الذکر گشته‌اند محقق و مستحکم نمایند قرارداد شد که از هرگونه متاعی که بتوسط تبعه روس بایران آورده یا از این مملکت بیرون برده شود و كذلك از امتعه محصوله ایران که بتوسط تبعه آن دولت از دریای خزر یا از راه خشکی سرحد دولتین روس و ایران بولایت روس برده شود و همچنین از امتعه روس که رعایای ایران با همان راهها بیرون میبردند کمافی‌السابق در وقت داخل شدن و بیرون رفتن هر دو یکدفعه پنج ازش صد گمرک گرفته میشود و بعد از آن هیچگونه گمرک دیگر از ایشان مطالبه نخواهد شد و اگر دولت روس لازم داند که قانون تازه در گمرک و تعرفه‌های مجدد قرارداد کند متعهد میشود که درین حالت نیز گمرک مزبور را که پنج ازش صد است اضافه ننماید.

فصل چهارم - اگر دو دولت روس یا ایران با دولت دیگر در جنگ باشد تبعه جانبین ممنوع خواهند شد از اینکه با امتعه خود از خاک دولتین علیتین معاهدتین عبور کرده بممالک دولت مزبوره بروند.

فصل پنجم - چون موافق عاداتی که در ایران موجود است برای اهالی بیگانه مشکل است که خانه و انبار و مکان مخصوصی برای وضع امتعه خود باجاره پیدا کنند لهذا به تبعه روس در ایران اذن داده میشود که خانه برای سکنی و انبار و مکان برای وضع امتعه تجارت هم اجاره نمایند و هم بملکیت تحصیل کنند و متعلقان دولت ایران بآن خانهها و انبارها و مکانها عنفاً و غصباً داخل نمیتوانند شد لکن در وقت ضرورت از وکیل یا کارگزار و یا کنسول روسیه استرخاص میتوانند نمود که ایشان صاحب منصب یا ترجمانی تعیین کنند که در وقت ملاحظه خانه یا امتعه حضور داشته باشد.

فصل ششم - چون وکیل و کارگزار دولت امپراطوری و صاحبمنصبان مأموره با ایشان و کنسولها و ترجمانها در ایران امتعه که بکار ملبوس ایشان بیاید و اکثر اشیاء ضروریه معیشت برای ابتیاع پیدا نمیکند لهذا میتوانند بدون باج و خراج هرگونه امتعه و اشیاء که خاصه مصارف ایشان تعیین شده باشد بیاورند و كذلك این امتیازات بتمامه دربار وکیل و کارگزار و کنسول دولت ایران که مقیم دربار دولت روس باشند مرعی و ملحوظ خواهد شد و کسانی که از اهل ایران برای خدمت ایلچی یا وکیل و کنسولها و حامیان تجارت روس لازم است مادامیکه نزد ایشان باشند مانند تبعه روس از حمایت ایشان بهره مند خواهند بود و لکن اگر شخصی از آنها مرتکب جرمی شود که موافق قوانین ملکیه مستحق تنبیه باشد در آنصورت وزیر دولت ایران یا حاکم در جائیکه آنها نباشد بزرگ ولایت مجرم را بی واسطه از ایلچی یا وکیل یا کنسول در نزد هرکدام که باشد مطالبه میکند تا اجرای عدالت شود و اگر این مطالبه مبنی باشد بر دلایلی که جرم و تقصیر متهم را ثابت کند ایلچی یا کنسول یا وکیل در دادن او مضایقه نخواهند کرد.

فصل هفتم - همه ادعا و امور متنازع فیها که مابین تبعه روسیه باشد بالانحصار بملاحظه و قطع و فصل وکیل یا کنسولهای اعلیحضرت امپراطوری برطبق قوانین و عادت دولت روسیه مرجوع میشود و همچنین است منازعات و ادعاهائیکه مابین تبعه روسیه و تبعه دولت دیگر اتفاق بیفتد در حالتیکه طرفین بآن راضی شوند و منازعات و ادعاهائیکه مابین تبعه روس و ایران واقع شود بدیوان حاکم شرع و یا حاکم عرف ولایت معروض و محول میگردد و ملحوظ و طی نمیشود مگر در حضور ترجمان وکیل یا کنسولها چون اینگونه ادعاهائیکه یکدفعه موافق قانون طی شده باشد دوباره استعمال نمیتواند شد. هرگاه اوضاع نوعی باشد که اقتضای تحقیق و ملاحظه ثانی کند بدون اینکه وکیل یا کارگزار یا کنسول روسیه را

سابق از آن اخبار شود ملاحظه نمتواند شد و درین حالت آن امر استعلام و محکوم علیه نمیتواند گردید مگر در دفترخانه اعظم پادشاهی که در تبریز یا طهران باشد. کذلک در حضور یکنفر ترجمان وکیل یا کونسول روسیه.

فصل هشتم - کار قتل و امثال آن از گناههای بزرگت که در میان خود رعایای روس واقع شود تحقیق و قطع و فصل آن مطلق در اختیار ایلچی یا وکیل و یا کونسول روسیه خواهد بود. بر وفق قوانین شرعیه که بایشان در باب اهل ملت خود داده شده است. اگر یکی از تبعه روسیه بدعوی جرمی مستلزم السیاسة با دیگران متهم باشد بهیچوجه او را تعاقب و اذیت نباید کرد مگر در صورتیکه شراکت او بجرم ثابت و مدلل شود و درین حالت نیز مانند حالتی که یکی از تبعه روسیه بنفسه بجرمی متهم میشد حکام ولایت نمی‌توانند که بتشخیص حکم جرم پردازند مگر در حضور گماشته از طرف وکیل یا کونسولهای روسیه. اگر در اماکن صدور جرم از وکیل و کونسولها کسی نباشد حکام ولایت مجرم را بجائی که کونسول یا صاحب منصبی از دایره وکالت روسیه در آنجا باشد روانه میکنند و استشهادنامه که در باب برائت و شغل ذمه متهم بواسطه حاکم و مفتی آن مکان از روی صداقت مرتب و بمهر ایشان رسیده باشد و باین کیفیت بمحلی که حکم جرم خواهد شد فرستاده شود اینگونه استشهادنامه‌ها سند معتبر و مقبول ادعا خواهد بود مگر اینکه متهم عدم صحت آنرا علانیه ثابت نماید و در صورتیکه متهم چنانچه باید ملزم گشته فتوی صریح حاصل شود مجرم را بوکیل یا کونسول روسیه تسلیم می‌سازند که برای اجرای سیاست که در قوانین مقرر است بمملکت روسیه بفرستند.

فصل نهم - دولتین علیتین معاهدتین اهتمام تمام در باب رعایت و اجرای شروط این معاهده خواهند داشت حکام ولایات و دیوان بیگیان و سایر رؤسای طرفین بیم از مؤاخذه شدید داشته و در هیچ حالت تخلف و تجاوز نخواهد کرد در حالتیکه تکرار تخلف چنانچه باید محقق شود موجب معزولی ایشان خواهد بود. خلاصه ما وکلای مختار اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه و اعلیحضرت پادشاه ممالک ایران که در ذیل دستخط نوشته‌ایم شروطی را که درین معاهده مندرج است و از نتایج فصل دهم عهدنامه عمده است که همان روز در ترکمانچای اختتام یافته است و چنان اعتبار و قوه خواهد داشت که گویا لفظ به لفظ در خود عهدنامه مرقوم و مصدق گشته است منتظم و مقرر داشتیم لهذا این معاهده جداگانه که مشتمل بر دو نسخه است بتوسط ما دستخط گذاشته بمهر ما رسید و مبادله شد. تحریراً فی قریه ترکمانچای بتاريخ ۱۰ شهر فیورال ۱۸۲۸ مسیحیه ۵ شهر شعبان ۱۲۴۳.

معاهده

در باب تشریفات

چون وکلای مختار روس و ایران مجتمع شده بودند تا اینکه برطبق فصل نهم عهدنامه عمده امروزه برای تشریفات شایسته پذیرفتن ایلچیان و وکلا و کارگزاران که علی‌السویه بدربار دولت جانیین تعیین میشوند قاعده و نظامی بگذارند لهذا بمرابطه مشترکه بینهما باینطور قرارداد کردند همینکه دولت ایران برسم دولت از ورود یکنفر ایلچی روس بتهنلس خیردار شد بلا تأخیر یکنفر از مرتبه‌ای که بشان ایلچی مناسب باشد اختیار کرده تا سرحد باستقبال او میفرستد و دولت ایران همانوقت فرمانفرمای گرجستان را از عزیمت مهماندار اخبار میکند و روز ورود او بسرحد را تخمیناً تعیین مینمایند و ایلچی از جانب خود اهتمام کرده سفر خود را نوعی حساب خواهد کرد که مقارن ورود او وارد آنجا شود و از ساعتی که مهماندار ایلچی را ملاقات خواهد کرد متمهد ایمنی وجود او و احترامات و اکراماتی که لایق او هستند خواهد بود. ایلچی را در هرمنزل استقبالی خواهد کرد که رئیس آن منزل یا يك نفر آدم معتبر آن داخل مستقبلین باشد یا معارف و اتباع شایسته و اگر ایلچی در محل معتبر مملکتی مکث کند حاکم خود برای تعارفات ایلچی و سر مستقبلین بوده تا بمنزلی که برای او مهیا شده همراهی خواهد کرد. اگر ایلچی در شهری که یکی از شاهزادگان حاکم آنجا باشد مکث کند شاهزاده که حاکم آن شهر است برای خوش آمد و تعارفات ایلچی وزیر خود را به ملاقات او خواهد فرستاد و اگر ایلچی زیارتی از شاهزاده بکند ایلچی و جمله اشخاصی را که جزو سفارتند تکلیف قعود خواهد کرد و يك صندلی برای ایلچی حاضر خواهد نمود و هرجا که در رهگذر ایلچی لشکری باشد مسلح شده احترامات عسکریه معموله نسبت باو خواهند نمود. مهماندار اهتمام خواهد کرد که قبل از وقت دولت ایران را از ورود تازه ایلچی اخبار کند تا آنکه توانند تدارکات لازمه جهت ورود و سلام او آماده کنند چونکه ایلچی باخرین منزل دارالسلطنه یا اردوئی که اعلیحضرت پادشاه تشریف دارند رسید ایلچی با یکی از اشخاص معتبره باسم ولینعمت همایون خود پذیرفته خواهد شد و در نیمه راه دارالسلطنه یا اردو یا استقبالی عظیم از جانب پادشاه که رئیس آنها شخص جلیل‌الشانسی از دربار پادشاهی خواهد بود پذیرفته خواهد شد. مستحفظین شهر یا اردو برای ایلچی پیش‌فنگنگ خواهند کرد و احترامات عسکریه که لایق او باشد بعمل خواهند آورد و سرخیل مستقبلین پادشاهی همان ساعت ایلچی را بمنزلی که برای او مهیا شده باشد خواهد برد و در آنجا قراول‌احترامی برای او خواهد بود و فردای ورود او وزیر پادشاه و عظمای دربارسلطنت ایلچی را عیادت خواهند کرد و پس فردا بسلام خاص اعلیحضرت

پادشاهی خواهد رفت و ایشیک آقاسی باشی در ساعت مقرر آمده او را اعلام خواهد کرد که برای پذیرفتن او همه آماده است. در اینصورت ایلچی باین ترتیب روانه میشود: فراشان شاهی پیشرو. دسته ایلچی پیشاپیش راه میروند جمعی از قراول یا نوکرهای پیاده ایلچی از عقب ایشان میروند در حالتیکه ایلچی اسب مزین که از سرکار شاهی فرستاده شده یا اسب خاصه خود را سوار شده باشد و جلودار سرکار پادشاهی پیش او راه برود و اشخاص سفارت و اتباع او در جانب راست و ایشیک آقاسی در جانب چپ او باشند و از دو جانب شاطران پادشاهی راه بروند و بلافاصله از عقب او دسته ای از قراولان ایلچی یا از نوکران پیاده و فراشان پادشاهی دنباله رو دسته ایلچی باشند عساکری که در میدان قصر یا اردوی پادشاهی گذاشته شده باشند تا بدر عمارت یا سراپرده برای ایلچی پیشفنگ میکنند و ایشیک آقاسی باشی پیشاپیش ایلچی خواهد بود اهتمام خواهد داشت که اشخاصی که در رهگذر او باشند برپا بایستند ایلچی در عمارت یا سراپرده پیاده خواهد شد و باطابق وزیر اول یا چادر سپهسالار رفته تا بیرون آمدن پادشاه چند لمحہ در آنجا آرام خواهد گرفت در این حال ایلچی با همراهان خود ایشیک آقاسی باشی از پیش بمحوطه امارت یا سراپرده داخل خواهد شد قراول یا نوکرهای پیاده ایلچی در میدان بیرونی خواهند ماند بعد از آنکه ایشیک آقاسی باشی آمدن ایلچی را باعلیحضرت پادشاهی عرض کند او را از جانب شاه بدخول اطلاق یا چادر تکلیف خواهد کرد و ایلچی با همه اصحاب خود بآنجا خواهند رفت اما در هیچ حالت از ایلچی و از هیچیک از اصحاب او درخواست نخواهد شد که هیچگونه تغییر بوضع وزی خود که دارند بدهند لکن ایلچی و اتباع او اهتمام خواهند کرد که برای خود یک جفت کفش تدارک نمایند که قبل از داخل شدن بیرون بیاورند بعد از عرض نیاز بحضرت شاه ایلچی را از جانب شاه تکلیف بهنشستن میشود و برای او صندلی حاضر میکنند بعد از انقضاء و انتهای مجلس ایلچی بهمان ترتیبی که آمده بود مراجعت میکند لکن بدون اینکه باطابق وزیر اعظم یا بچادر سپهسالار داخل شود. بعد ازین سلام اول ایلچی ببازدید اشخاصی که بدیدن او آمده بودند میروند و رسوم تشریفات برای پذیرفتن وکیل یا کارگزار روس همان خواهد بود مگر اینکه صاحبمنصبانی که باستقبال او میفرستند در مرتبه پستتر خواهند بود و اصحاب ایشان در عده کمتر و همه مستحفظین برای ایشان بیرون نخواهند آمد و همان عساکری که در قراول هستند برای ایشان پیشفنگ خواهند کرد وزیر اعظم پادشاهی اولاً بدیدن ایشان نخواهد رفت اما بدون تخلف یکروز بعد ببازدید ایشان خواهد رفت اگر ایلچی یا وکیل یا کارگزار از جانب ولی نعمت خود حامل مراسله باشد اعلیحضرت پادشاه از دست ایشان خود خواهند گرفت همان تشریفات

بتوسط دولت روس در حق ایلچیان و وکلا و کارگزاران که بمأموریت بدربار پتربورغ می‌آیند مرعی و ملحوظ میشود لکن بملاحظه اختلافات رسومات معموله در دو مملکت این تذکره که مشتمل بر دو نسخه است و دستخط و مهر وکلای مختار جانبین را دارد همان قدر قیمت دارد که گویا لفظ بلفظ بمعهدنامه عمده امروزه مندرج است بهمان تاریخ.

قرار مهاجرت‌نامه که ۲۸ جمادی‌الآخری سنه ۱۲۶۰ در دارالخلافه طهران داده شده

از برای رفع اغتشاش و بیحیایی اهالی سرحدات روس و ایران که پیوسته از مهاجرت حاصل آید وکلای طرفین حسب‌الاذن و مأموریت دول خودشان اینقرارداد را منعقد و مهر کرده‌اند:

فصل اول - رعایای هر دو دولت من بعد بدون اذن معتبر و بلیط دولت خودشان بخواک یکدیگر عبور نخواهند کرد.

فصل دوم - هر شخص از رعایای دولتین بهیتین که بدون بلیط بخواک یکدیگر بگذرد دستگیر و بدست سرحداتاران نزدیک بانجا یا بوزیر مختار یا به‌شارژ دافر یا به‌قتسول دولت خودش تسلیم خواهد شد مع اسلحه و اسبابیکه بهمراه خود دارد.

فصل سیم - هر خواهشی که رعایای دولتین در خصوص مهاجرت نمودن از دولت خودشان خواهند کرد باید بدون مداخلت خارجه باشد.

فصل چهارم - اگر مباشرین دولتین در عالم دوستی از همدیگر بلیطی بخواهند بی‌مضایقه از برای بعضی خانوارها خواهند داد مگر مانعی مقرون بقاعده و قانون باشد.

قرارنامه‌ی

تجارتی فیما بین ایران و روس

تدابیراتی که بجهت دفع افلاس جعلی و رفع حیلہ‌جات ورشکسته‌ها لازم آمد از قرار فقرات ذیل است:

فقره اول - جمیع مستندات خرید و فروخت و تمسکات و غیره من بعد باید در دیوانخانه معتبر و در دفتر مخصوص که حاکم هر ولایت مسمور بمهر دولت میدهد ثبت شود و در دفتر مذکور کل مطالبات از روی تاریخ

نمره باید ثبت گردد و نمره دفتر باید بر روی مستندات نوشته شود و اوراق دفتر نمره داشته باشد و محكوك و قلمزده نباشد.

فقره دوم - مستنداتیکه در دفتر بزرگ معتبر شده‌اند باز باید جداگانه در دیوانخانه از روی الف با اسامی معاهدین نوشته شود و نمره دفتر بزرگ فهرست شود.

فقره سیم - چنانچه یکجا بمقام مطالبه تنخواه دو تمسك که در دیوانخانه معتبر شده است برخیزند آنکه ثبت دیوانخانه‌اش قدیم‌تر است اول وصول خواهد شد و این قرارداد مبطل قواعد غرما که هنگام افلاس جاری است نخواهد بود.

فقره چهارم - ثبت مستندات چیزی نیست واجب ولسی بخصوصه مستنداتی که موافق قاعده در دیوانخانه صورت اعتبار بهم‌رسانیده است ترجیح دارد بر مستندات خارجی که مجری نخواهد بود مگر بعد از اجرای مستندات که در دیوانخانه معتبر شده است و این نوع مستندات خارجی را تا مدت یکسال میتوان بدیوانخانه آورده معتبر نمایند.

فقره پنجم - هرکه مال غیر منقولی را بخواهد بفروشد یا بیعشرط بگذارد باید قباله و بنچاق آنرا بدست مشتری دهد چنانچه سر وعده تنخواه آنرا ندهد بیع لزوم خواهد بهم‌رسانید و دیوانخانه قبل از ثبت و معتبر نمودن چنان سند خرید و فروخت باید مشخص نماید که قباله و بنچاق آن بدست مشتری داده شده است و پیش از آن چنان غیر منقولی بغیر فروخته نشده باشد و نزد کسی بیعشرط و گرو نباشد.

فقره ششم - ادای وجه تمسکی ثابت نخواهد بود مگر اینکه طلبکار و بده‌کار هر دو بخط و مهر خود بر روی تمسك نوشته باشند که تنخواه‌کلا رسید والا عندالضروره باید باقامه شهود و ایراد قسم ادای قرض ثابت گردد.

فقره هفتم - بعد از وفات بده‌کاری طلبکاران حق مطالبه تنخواه خود را از ورثه مرحوم قبل از انقضاء وعده خواهند داشت مگر ورثه اموال مرحوم را رد نمایند.

فقره هشتم - هریک از کسبه و تجار که دعوی افلاس نماید باید قسم یاد کند که از اموالش چیزی نهان نکرده است و افلاس خود را هم ثابت

کند و همچنین شرکاء و کارکنان او هم باید قسم یاد نمایند که از اموال او چیزی نهان نکرده‌اند.

فقره نهم - ازین نوع ورشکستها دست برنمیدارند تا ضامن تن‌حاضر نمایند و دیوانیان اموال ورشکسته را و اموال اولاد و زن او را ضبط خواهند کرد در صورتیکه ثابت شود که بعد از ظهور ورشکستگی او صاحب این اموال شده‌اند و آنچه که از اقوامشان که به‌پیچ‌وجه دخلی بورشکسته نداشته بارث بایشان رسیده باشد یا اینکه حاصل کاسی‌جداگانه باشد مع‌جمه‌از دختران شوهررفته از ضبط محفوظ خواهد بود.

فقره دهم - چنانچه باعث افلاس از حرقت اتفاقی و از غرق ثابته واز غارت دشمنان باشد در این صورت ضرور بدادن ضامن تن نیست.

فقره یازدهم - سزای مفلس جعلی همان سزای دزد و سزای شخص‌کاذب خواهد بود و اختیار تخفیف سزای آن در پاره مواد استثنائی منحصر باعلیحضرت قدرقدرت شهریاری خواهد بود. مفلس جعلی باید مدت طول مرافعه‌اش در حبس باشد و با احدی حتی با حکامش هم نباید مرارده داشته باشد. جمیع اموالش ضبط خواهد شد دوباره تجارت نمیتواند کرد و مباشر شفلی نمیتواند شد همین سزا برای رفقای او و برای اشخاصی که اموال او را پنهان داشته‌اند باقی خواهد بود.

فقره دوازدهم - شرطنامجات شخص مفلس که بعد از افلاس ثابته‌اش واقع شده است باطل است و همچنین شرطنامها و بخششها که بعد از ظهور افلاس نموده است باطل است.

فقره سیزدهم - تقسیم اموال ورشکسته فیما بین طلبکاران بعد از چهار ماه خواهد بود و اگر اجناس ورشکسته از قبیل چیزهایی است که زود ضایع و تلف میشود مثل چهارپا و آذوقه و سایر باید بلادرنگ نقد نمایند و مال‌التجاره که بعد از اشتهار افلاس بدست مفلس میفرستند باید در گمرک ضبط نموده بدیوانخانه فرستاد و همچنین هر نوع مراسلات باسم مفلس که مشعر بر عدم صدق افلاس باشد باید بدیوانخانه برسانند.

فقره چهاردهم - مادامیکه مفلس کل قروض خود را ادا ننموده است باز بده‌کار حساب خواهد شد و طلبکاران برضای خودشان برای طلبهای مابقی مهلت خواهند داد و در آن اثناء هرچه حاصل او شود یا بارث باو برسد عوض قروض باید داده شود.

فقره پانزدهم - چنانچه در مقابله دفتر ثبت با مستندات تقلبی ظاهر شود و دیوانخانه ثبت را بتقلب نموده باشد دیوانخانه باید از عهده قروض ورشکسته برآید.

فقره شانزدهم - آنهایی که مفلس جعلی محسوب میشوند از اینقرار میباشند: اول آنکه نتواند افلاس خود را ثابت نماید و بطریق واضح حساب نقد و جنس خود را که از مردم گرفته است بدهد. دوم آنکه به پنهانی و آشکار جنس بخانه میبرد. سیم آنهاییکه افلاس خود را دانسته بعد از ظهور افلاس بقصد خوردن مال طلبکاران بخشندگیها نمایند. چهارم آنکه مال غیر منقولی را که سابقاً بغیر فروخته است یا بیعشرط گذارده است مجدد بفروشد یا بیعشرط بگذارد. پنجم آنکه مال وقف را بفروشد یا بیعشرط بگذارد.

فقره هفدهم - اعلیحضرت قدر قدرت شهریاری سوای در بعضی مساجد و اماکن شریفه که از قدیم الایام مثل خانه های علمای نامی و عمارات پادشاهی بست بوده اند بستها را یعنی بستهای خانهای مردم را موقوف فرموده قدغن میفرماید که هیچیک از رعایای ایندولت جاوید مدت مقصرین را مثل دزد و مفلس و سایر را بخانه های خود راه ندهند و هرکه خلاف حکم پادشاهی نماید مورد مؤاخذه خواهد شد.

فقره هیجدهم - چون بجهت پیشرفت امر تجارت همه جا ملك التجار ضرور است لهذا اولیای دولت قاهره در همه جای ایران که تجارت کلی میشود ملك التجاری معین خواهند فرمود. دیگر آنکه هر وقت کار تجار دولت بیه روسیه بدیوانخانه رجوع میشود باید قطع و فصل آن در حضور يك نفر صاحب منصب سفارت یا قونسولگری شود همچنین ضبط اموال مفلس و مخلفات مقروض متوفی در جائیکه پای رعایای خارجی بمیان آید باید همیشه در حضور يکنفر صاحب منصب روس باشد. کارگزاران روس طلبهای ورشکسته را از بده کارانش که اهل ولایت خواهند بود چنان مطالبه خواهند کرد مثل اینکه مقروض خود رعایای دولت بیه روسیه باشد. دیگر در باب فقره پنجم که مال غیر منقول ذکر شده است مجدداً ایراد میشود که در ایران سه کس بر قراء حق دارند اول دیوان اعلی. دویم مالک. سیم رعیت چنانچه مالک بخواهد قریه خود را بیعشرط بگذارد بجهت رفع گفتگو باید قبل از وقت از دیوان اعلی و رعیت اذن حاصل کند.

تحریراً فی ۲۷ شوال ۱۳۵۹ در دارالخلافه طهران.